

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه	: نعسانی حلبی، محمد، ۱۸۸۱-۱۹۴۳ م.
عنوان قراردادی	: Halabi, Muhammad Badr alDinol-Nasani
عنوان و نام پدیدآور	: فصوص الحکمه. شرح نصوص الکلم علی کتاب فصوص الحکم/ تألیف ابوفراس محمد بدرالدین حلبی؛ به کوشش علی اوجبی.
مشخصات نشر	: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۹۴-۸۰-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عربی.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۱۹]-۱۲۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: فارابی، محمد بن محمد، ۴۲۶۰-۳۳۹ ق. فصوص الحکمه -- نقد و تفسیر
موضوع	: هستی‌شناسی
موضوع	: فلسفه اسلامی
شناسه افزوده	: اوجبی، علی، ۱۳۴۳ -
شناسه افزوده	: فارابی، محمد بن محمد، ۴۲۶۰-۳۳۹ ق. فصوص الحکمه. شرح
شناسه افزوده	: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ف۶ن/۲۹۱ BBR
رده‌بندی دیوبی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۱۴۰۶۳

نصوص الکلم علی کتاب فصوص الحکم

تألیف

ابوفراس محمد بدرالدین حلبی

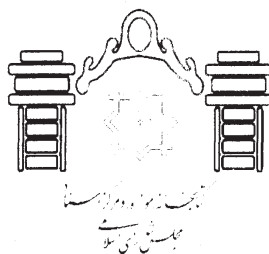
(۱۲۹۸-۱۳۶۲ ق)

به کوشش:

علی اوجبی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۸۹



نصوص الكلم على كتاب فصوص الحكم

تأليف: ابوفراس محمد بدرالدین حلبی (۱۲۹۸-۱۳۶۲ ق)
به کوشش: علی اوجبی

قلم‌های استفاده شده : لوتوس، یاقوت، Times
کاغذ مورد استفاده : ۷۰ گرمی تحریر خارجی

شماره انتشار : ۲۱۶

ناظر چاپ : نیکی ایوبی‌زاده

چاپخانه : فرشیوه

لیتوگرافی : نقره‌آبی

صحافی : سیاره

چاپ اول : ۱۳۸۹

شمارگان : ۱۰۰۰

بها : ۳۶۰۰۰ ریال

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۹۴-۸۰-۵

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه
و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین
طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۲۱-۶۶۹۶۴۱۲۰

نشانی سایت اینترنتی: WWW.Ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام آن که جان را فکرت آموخت

ابونصر فارابی، یکی از زیدگان و برجستگانی است که در دامان تمدن اسلامی رشد کرد و با قدرت تمام در چندین حوزه فکری و فلسفی، آثاری پدید آورد که در شمار مصنفات برگزیده دنیای اسلام است. به سخن دیگر، فارابی، یکی از نشانه‌های تمدن اسلامی در سده ۴ ق است، چهره‌ای که نامش در کنار نام بزرگان این قرن ثبت است و در استخوان‌بندی تمدن اسلامی جایش در ستون فقرات است.

بسیاری او را بانی شکل‌گیری فلسفه اسلامی می‌دانند و در عین حال، روی نقش‌کندی به عنوان فیلسوف عرب و کسی که نخستین بار مقوله‌های فلسفی را وارد حوزه تفکر اسلامی کرد، تأکید می‌کنند. با این حال، فارابی، سامان دهنده یک سامانه فکری - فلسفی عمیق و گسترده است، سامانی که همزمان آبشخور آن منهای تفکر و فلسفه یونانی، داشته‌های تمدن اسلامی و خلاقیت‌های شخصی اوست.

فیلسوف و متفکر و اندیشمند، همین اندازه که بیندیشد، حرمت دارد، حتی اگر حرفی بزند که با آنچه تا آن زمان گفته شده است، تعارض داشته باشد. ممکن است فلسفه‌ای یا فیلسوفی، مورد قبول جامعه و تفکر جامعه قرار نگیرد، اما تا آنجا که به دنیای اندیشگی مربوط می‌شود، باید از او مراقبت کرد و به تفکر و اندیشه‌اش حرمت نهاد. انتشار این قبیل آثار هم مشمول همین قاعده است که به هر روی، باید اصل تفکر را زنده نگه‌داشت، و زنده نگه داشتن آن، به حرمت گذاشتن و صد البته نقادی آن است.

منازعات فرقه‌ای سده‌های ۴-۵ ق وجود داشت، اما هر چه بود، دنیای بزرگ

اسلام، حتی اگر در گوشه‌ای بر کسی سخت می‌گرفت، او می‌توانست در جای دیگر آرام باشد. همین سبب زنده ماندن تفکر می‌شد.

به هر روی، فارابی، از زمره دانشمندان نوگرایی است که پایه‌های عقل‌گرایی را در تمدن اسلامی استوارتر کرد و بر وجه مادی تمدن اسلامی تأکید ورزید.

استاد اوجیبی، مصحح ارجمند، مقدمه‌ای طولانی در شرح حال فارابی و آثار وی و همین‌طور انتساب این کتاب به فارابی و شروع آن نوشته و جای توضیح بیشتر را باقی نگذاشته است. ایشان با انتشار شماری از آثار فلسفی در حوزه تفکر اسلامی، سهم خویش را در احیای میراث فلسفی، پایدار کرده‌اند. امیدواریم که در برداشتن گام‌های بیشتر موفق باشند. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

رسول جعفریان

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

پیشگفتار	سیزده
مقدمه مصحح	پانزده
دورنمایی از زندگی ابونصر فارابی	پانزده
جایگاه فارابی در تاریخ علم و فلسفه	هفده
۱. تأسیس فلسفه اسلامی	هجده
۲. فلسفه سیاسی	بیست
۳. منطق ارسطویی	بیست و یک
۴. موسیقی	بیست و دو
۵. طبقه‌بندی علوم	بیست و دو
۶. نوآوری در سایر حوزه‌ها	بیست و سه
۷. معلم ثانی	بیست و چهار
فهرست نگاشته‌ها	بیست و چهار
فارابی به روایت قطب‌الدین اشکوری	بیست و نه
فارابی به روایت بیهقی	چهل و یک
فارابی و رساله فصوص الحکمة	چهل و پنج

وجه تسمية فصوص الحكمة	چهل و هشت
درون مایه فصوص الحكمة	چهل و نه
شروح و حواشی فصوص الحكمة	شصت و نه
نکاتی چند در باره نصوص الكلم	هفتاد
شیوه بازخوانی	هفتاد و دو

فصوص الحكمة	۱
۱. فصّ في أنّ المهية غير الوجود و الهوية	۳
۲. فصّ في أنّ المهية المعلولة في ذاتها ممكنة الوجود	۵
۳. فصّ في أنّ عدم المهية المعلولة عن ذاتها و وجودها بسبب غيرها	۵
۴. فصّ في أنّ وجود المهية لأفرادها معلولة لغيرها	۵
۵. فصّ في أنّ حمل المهية على الفرد لسبب خارج من ذاتها	۶
۶. فصّ في أنّ الفصل لا يدخل في مهية الجنس	۶
۷. فصّ في أنّ وجوب الوجود لا ينقسم بالفصول	۶
۸. فصّ في أنّ وجوب الوجود لا ينقسم بالحمل على كثيرين	۶
۹. فصّ في أنّ وجوب الوجود لا ينقسم بأجزاء القوام	۷
۱۰. فصّ في أنّ واجب الوجود لا جنس له و لا فصل له و لا نوع له و لا نوله	۷
۱۱. فصّ في أنّ واجب الوجود لا موضوع له و لا عوارض له	۷
۱۲. فصّ في علم الواجب و أنّه كلّ الأشياء و مبدأ كلّ فيض	۷
۱۳. فصّ في أنّ الواجب هو الحقّ الباطن الظاهر	۸
۱۴. فصّ في علم الواجب و الآراء التي فيه	۸
۱۵. فصّ في انقسام علم الواجب و تكثره	۹

١٦. فصّ في الانقطاع عن غير الواجب و هو الفناء و الوصول إليه و هو البقاء ٩
١٧. فصّ في تناهي الموجودات في عالم الخلق و عدم تناهيها في عالم الأمر ٩
١٨. فصّ في تعلق علم الواجب بجميع الأشياء و كونه مبدئها و معادها. ١٠
١٩. فصّ في مراتب إثبات وجود الواجب ١٠
٢٠. فصّ في الطريقتين المشهورين لإثبات الواجب الحقّ ١١
٢١. فصّ في امتناع إدراك ذات الواجب ١١
٢٢. فصّ في كمال القوى الحسيّة و القوة العاقلة ١١
٢٣. فصّ في اللذة العقلية - و منها عرفان الحقّ - و أنّها هي اللذة القصوى و أشدّ
و أقوى من اللذة الحسيّة ١٢
٢٤. فصّ في أنّ النفس مطمئنّة ترى الحقّ في كلّ شيء ١٢
٢٥. فصّ في دفع ما أورد على تعريف اللذة ١٢
٢٦. فصّ في دفع شبهة أوردت على قولهم: «اللذة العقلية هي اللذة القصوى» ١٣
٢٧. فصّ في رفع الحُجُب، و الاتّصال بالمطلوب الحقيقي، و حالات النفس عند
التجرّد ١٣
٢٨. فصّ في أنّ الواجب أعظم عاشق و معشوق، و وجوده تامّ فوق التمام ١٤
٢٩. فصّ في الأحوال الثلاث لمن شاهد الحقّ و عرفه ١٤
٣٠. فصّ في انقياد الموجودات و إطاعتها للواجب و ذكرها و صلاتها. ١٤
٣١. فصّ في الروح و خواصّه ١٥
٣٢. فصّ في أنّ الإنسان مركّب من جوهرين ١٥
٣٣. فصّ في النبوة و خواصّها عند الحكماء ١٥
٣٤. فصّ في مهية الملائكة و كيفية استفادة النبيّ منها. ١٦
٣٥. فصّ في إنقسام البدن الإنساني إلى ظاهر و باطن ١٦

٣٦. فصّ في قوى روح الإنسان و تشارك الانسان و غيره في القوى الخمس ... ١٦
٣٧. فصّ في العمل النشائي و الحيواني و الإنساني..... ١٧
٣٨. فصّ في الإدراك و مناسبته للانتقاش..... ١٨
٣٩. فصّ في الإدراك الظاهري و الباطني ١٨
٤٠. فصّ في تأثر الحواسّ الظاهرة عن المحسوس ١٨
٤١. فصّ في القوى الخمس الظاهرة ١٩
٤٢. فصّ في القوى الخمس الباطنة..... ١٩
٤٣. فصّ في عدم إدراك الحسّ المعاني المجردة و عدم حفظه المعنى بعد زوال
المحسوس ٢٠
٤٤. فصّ في عدم إدراك الوهم و الحسّ الباطن الأمور المجردة عن اللواحق
و حفظها..... ٢١
٤٥. فصّ في أن الروح الإنسانية هي التي تتمكّن من تصوّر المعنى مجرداً عن
اللواحق ٢١
٤٦. فصّ في أحوال النفوس القدسية..... ٢٢
٤٧. فصّ في أحوال النفوس الضعيفة..... ٢٢
٤٨. فصّ في الحدّ المشترك بين الباطن و الظاهر ٢٢
٤٩. فصّ في امتناع تعقّل المحسوس و إحساس المعقول ٢٤
٥٠. فصّ في ما تصرف فيه الحسّ و العقل..... ٢٤
٥١. فصّ في امتناع إدراك الذات الأحدية..... ٢٥
٥٢. فصّ في كيفية تمثّل الملائكة، و مهية الوحي و أنحائه الثلاثة..... ٢٥
٥٣. فصّ في المعنى المراد من القلم و اللوح و الكتابة..... ٢٦

٥٤. فصّ في ضرورة انتهاء سلسلة الأسباب إلى مسبب الأسباب و استناد ترتيبها
إلى القضاء و القدر ٢٦
٥٥. فصّ في دفع ما توهمته المعتزلة من عدم استناد الأفعال الاختيارية إلى القضاء
و القدر ٢٧
٥٦. فصّ في إمكان رؤية الله منزهاً عن المقابلة و الجهة و المكان ٢٨
٥٧. فصّ في أنّ الملاصق و المباين يخفيان الشيء ٣٠
٥٨. فصّ في أنّ الموضوع يخفي الحقيقة ٣٠
٥٩. فصّ في قرب الواجب بالموجودات ٣٠
٦٠. فصّ في ظاهريته و وحدته و صدور الكثرة عنه ٣١
٦١. فصّ في عدم جواز كون علمه تعالى بالأشياء مستفاداً من الأمور الصادرة عن
قدرته ٣١
٦٢. فصّ في أنّه تعالى كلّ الكلّ حقّ ظاهرٌ باطنٌ قادرٌ عالمٌ، و في ما يترتب على
معرفته بالأسماء ٣٣
٦٣. فصّ في أنّ الحدّ يؤلف من جنس و فصل ٣٥
٦٤. فصّ في أنّ الموضوع هو الشيء الحامل للصفات و الأحوال ٣٥
٦٥. فصّ في أنّه تعالى أوّل و آخر ٣٥
- ٣٧ **نصوص الكلم على كتاب فصوص الحكم**
- ٨٣ **نمايهها**
- ٨٥ **١. آيات**
- ٨٧ **٢. روايات**

٨٧ ٣. اشعار

٨٩ ٤. نمايه عام

١١٥ كتابنامه

پیشگفتار

در سال ۱۳۸۲ نظارت بر چاپ رسائل موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تحت عنوان گنجینه بهارستان به نگارنده پیشنهاد گردید. پس از بررسی‌های اولیه بنا شد مجموعه گنجینه بهارستان در قالب موضوعات: حکمت، علوم قرآنی و روایی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا، اخلاق، علوم و فنون سامان یابد. مسئولیت علمی موضوع حکمت شامل رسائل منطقی، کلامی، فلسفی و عرفانی را شخصاً بر عهده گرفتم. در ایام فرخنده‌ای که مشغول شناسایی رساله‌های مناسب برای این مجموعه بودم، به شرح شنب‌غازانی بر فصوص الحکمة برخوردی که بی‌اغراق مهمترین شرح این اثر منسوب به فارابی است، اما از آنجا که حجم آن با مجموعه تناسب نداشت، افزون بر آن اینکه اگر در لابلای دیگر رسائل چاپ می‌شد، شاید مورد غفلت قرار می‌گرفت، از چاپ آن در گنجینه بهارستان منصرف شدم، و پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش و یافتن

نسخه‌های معتبر بویژه حواشی میر داماد، عنایت الاهی شامل حال شد و توانستم به نیکویی بازخوانی آن را به پایان برسانم. خوشبختانه این شرح گرانسنگ مورد توجه اساتید فلسفه قرار گرفت و گاه به عنوان متن درسی انتخاب شد و تاکنون دو بار به زیور طبع آراسته شده است: نخست از سوی دانشگاه تهران با همکاری انجمن مفاخر فرهنگی ایران زیر نظر دکتر مهدی محقق و اخیراً با صورتی چشم‌نواز توسط انتشارات حکمت. هنگام نگارش مقدمه بر شرح یاد شده دریافتم که شروح دیگری بر این اثر جاودان فارابی وجود دارد که تاکنون منتشر نشده است. از جمله شرح کوتاه نصوص الکلم.

خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را ارزانی داشت تا این اثر گرانسنگ را نیز در اختیار دوستان فلسفه اسلامی قرار دهم. در پایان جا دارد از محضر دوست فرهیخته‌ام، جناب آقای رسول جعفریان، ریاست اندیشه‌ور و توانمند کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی که با چاپ این اثر موافقت کردند و تمامی همکاران محترم ایشان در مرکز پژوهش و واحد انتشارت که عهده‌دار مراحل گوناگون چاپ آن بودند، قدردانی نمایم.

نیازمند رحمت پروردگار غنی

علی اوجبی

تهران، بیست و یکم خرداد سال ۱۳۸۹ خورشیدی

مقدمه مصحح

دورنمایی از زندگی ابونصر فارابی

ابونصر محمد بن محمد بن اوزلغ بن طرخان فارابی که در منابع لاتین قرون وسطی از او با عناوینی چون «الفارابیوس» و «اونصر» یاد می‌شود، سال ۲۵۷ ق / ۸۷۰ م (یا ۲۵۹ ق / ۸۷۲ م) در روستای «وسیج» شهر فاراب در ماوراءالنهر زاده شد. پدرش محمد، از فرماندهان دربار سامانی، فردی ایرانی تبار و مادرش زنی ترک‌نژاد بود.

متأسفانه از جزئیات حیات او اطلاعات دقیق و درستی در اختیار نیست. حتاگاه داده‌های موجود در منابع تاریخی با هم ناسازگار است.

آموزش‌های اولیه را در کنار فراگیری زبان‌های فارسی، کردی و ترکی در زادگاهش طی کرد. سپس به همراه پدر به بغداد مهاجرت کرد و دانش‌های ادبی، ریاضیات، نجوم، موسیقی و فلسفه را از بزرگان دوران خود چون ابوبکر سراج نحوی، ابوبشر متی، بن یونس (از مشاهیر حوزهٔ مشائی مسیحی) فراگرفت. مدتی هم به حران رفت و منطق را از یوحنا بن حیلان مسیحی نسطوری آموخت. سپس به بغداد بازگشت.

پس از سال‌ها اقامت در این مهد علم و دانش و فراگیری بیشتر دانش‌های معمول و دوری از مشاغل دولتی، آن دیار را ترک گفت. در بارهٔ چرایی مهاجرت وی در متون تاریخی، علل مختلفی گزارش شده است:

۱. برخی بر آن‌اند که به دلیل جوّ فلسفه‌ستیزی حاکم بر بغداد، ادامهٔ حیات علمی برای این فیلسوف نامدار میسر نبود. او بیم آن را داشت که گروه‌های متعصبی چون حنبلیان وی را تکفیر کنند و در نهایت جانش را براحتی بر سر باورهایش ببازد.

۲. صلاح‌الدین منجّد نیز بر اساس نسخهٔ نویافته‌ای از شرح حال فارابی، شیوع بیماری وبا را علّت مهاجرت وی از بغداد به شمار آورده است.

پس از این گریز، فارابی تا مدّتی نامعلوم پیوسته در سفر بود و از سرزمین‌هایی چون مصر به قصد دانش‌اندوزی دیدار کرد.

در سال ۳۳۰ ق / ۹۴۱ م از سوی سیف‌الدوله حمدانی (۳۳۳-۳۵۶ ق) حاکم شیعی مذهب به حلب دعوت شد و با حمایت‌های وی توانست بخوبی به خلق آثار ماندگار ادامه دهد.

در سال ۳۳۴ ق نیز در دمشق حضور داشت و حین اشتغال به حرفهٔ باغبانی به پژوهش‌های جدّی می‌پرداخت.

سرانجام پس از سال‌ها تحصیل، تعلیم، و تألیف آثار فاخر خرد و کلان در شاخه‌های گوناگون علوم و فنون، در سنّ هشتاد سالگی به سال

۳۳۹ق / ۹۵۰م در دمشق درگذشت.^۱

جایگاه فارابی در تاریخ علم و فلسفه

معمولاً برای شناخت یک اندیشمند چند راه فرا روی ما قرار دارد:

- مراجعه به منابع و اسناد تاریخی

- بررسی و واکاوی آثار برجای مانده از او [= متن پژوهی]

مسیر نخست را زمانی باید برگزید که بیشتر در پی داده‌ها و آگاهی‌های ظاهری چون زادگاه، زمان تولد، و وفات و... باشیم. زیرا منابع تاریخی به همین انگیزه تألیف می‌شوند و مملو از داده‌های ریز و درشت در این حوزه‌اند. اما به هیچ وجه برای راهیابی به جهان درونی یک شخصیت، قابل اتکا نیستند. چراکه معمولاً مورخ از منظر خویش تاریخ را به تصویر می‌کشد و انگیزه‌ها و انگیزته‌هایش در هم تنیده‌اند. از همه مهمتر آنکه گزارش‌هایی که از آرا و اندیشه‌ها می‌دهد، مستند به مشهورات و منقولات است. مگر در موارد خاص که خود صاحب‌نظر

۱. منابع مورد استفاده برای نگارش شرح فارابی عبارتند از: عیون الانباء فی طبقات الاطباء، وفيات الاعیان، احصاء العلوم، المنطقیات للفارابی، فارابی (رضا داوری)، فارابی فیلسوف مؤسس (رضا داوری)، التعریف بطبقات الامم، ترجمه معجوب القلوب، درة الاخبار، تمدن اسلامی در قرن چهارم (آدام متز)، تاریخ فلسفه اسلامی (هانری کربن)، فارابی و مکتبش (ریچارد نتون)، فارابی (والترز)، الجمع بین رأیی الحکیمین و مجله کتاب ماه فلسفه، ش ۱۶ و ۱۷. حسین محفوظ و جعفر آل یاسین در کتاب ارزشمند مؤلفات الفارابی (صص ۳۶-۴۴) منابع عربی شرح حال فارابی را از سده چهارم تا چهاردهم گزارش کرده‌اند.

باشد. البتّه پژوهشگرانِ تیزبین گاه از میان حوادث و رویدادهای تاریخی و حتّاً خوانش‌ها و قرائت‌های گوناگون شارحان، نکات ارزشمندی را استخراج می‌کنند که مربوط به حیات علمی دانشمند است، نه حیات ظاهری. امّا این یک قاعده کلی نیست.

بنابر این، بهترین و قابل اعتنائترین روش دستیابی به آموزه‌ها و اندیشه‌های یک متفکر، بازخوانی و تحلیل و بررسی آثار اوست. از اینجاست که اهمیت کار مصححان و محققان و نسخه‌شناسان آشکار می‌شود. خوشبختانه امروزه به همّت شماری از محققانی چون: ماجد فخری، جعفر آل‌یاسین، آلبر نصری نادر، فوزی نجار و محسن مهدی، آثار بسیاری از فارابی به شیوه تصحیح انتقادی در اختیار حکمت‌پژوهان قرار دارد و راه را برای غوّاصی در اقیانوس بی‌کرانه اندیشه‌های او هموار ساخته است.

بررسی و واکاوی آثار فارابی بخوبی اثبات می‌کند که او یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان جهان اسلام است. در اینجا به طور فهرستوار به برخی از برجستگیهای وی اشاره می‌کنیم:

۱. تأسیس فلسفه اسلامی: فلسفه اسلامی در طول حیات پُربار خود، شاهد فراز و نشیبهای فراوانی بوده، امّا همواره مسیر تعالی را پیش رو داشته است. وقتی از منظری بیرونی به این جریان بالنده و ارزشمند می‌نگریم، با یک پرسش اساسی مواجه می‌شویم: فلسفه اسلامی در چه دوره‌ای زاده شد، و رهاورد اندیشه کدام فیلسوف است؟

شماری چون ابراهیم مدکور، کندی را نخستین فیلسوف مسلمان می‌انگارند و آغاز فلسفه اسلامی را اوایل سده سوم هجری می‌دانند. آری کندی از تأثیرگذارترین اندیشمندان جهان اسلام در رواج آموزه‌های فلسفی میان مسلمین و ترجمه و برگردان و شرح بیشتر آثار فلاسفه یونانی به عربی است. او به زبان یونانی آشنایی داشت و بر زبان سریانی مسلط بود. از این رو، به بازخوانی دوباره و ویراست برخی از ترجمه‌های پیشین نیز اهتمام ورزید. تعبیر این ندیم در باره کندی ما را به واقعیت نزدیک می‌سازد و نادرستی رویکرد ابراهیم مدکور را تأیید می‌کند. وی کندی را نخستین فیلسوف عرب معرفی می‌کند و در شمار فلاسفه طبیعی می‌آورد. البته کندی برخی از آموزه‌های دینی بویژه مباحث مربوط به خداشناسی (= اثبات باری و صفاتش) را وارد بحث‌های فلسفی کرد، اما هیچ کس نمی‌تواند اثبات بکند که او یک نظام فلسفی را ابداع کرد تا چه رسد به تأسیس فلسفه اسلامی. او حتا در رساله کمیته کتب ارسطو بر جدایی فلسفه و دین و تفاوت اسلوب و مرتبه و منزلت آن دو تصریح دارد. اما این نکته قابل پذیرش است که او بستر ابداع نظریه فلسفه اسلامی را مهیا کرد. پس از کندی دومین گزینه در پاسخ به پرسش یادشده «فارابی» است.^۱ با نگاهی گذرا به آثار فلسفی فارابی بخوبی درمی‌یابیم که او نخستین کسی است که بر این باور است آموزه‌های دینی با رهاوردهای عقلانی تهافت و ناسازگاری ندارد؛ و برای اثبات این باور تلاش می‌کند و قلم

۱. دکتر رضا داوری نخستین کسی است که نظریه «فیلسوف مؤسس» را در باره فارابی طرح کرد و کتابی با عنوان فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی نوشت.

می‌زند. آثار او مملوّ از این اندیشه است. منظور از فلسفه اسلامی نیز چیزی جز این نیست که مضامین نصوص و ظواهر آیات و روایات اهل بیت (ع) تعارضی با آموزه‌های فلسفی که در نهایت مستند به بدیهیات عقلانی اند ندارد. فلسفه که از مطلق هستی سخن می‌گوید، نه تنها در حوزه‌هایی که ادله نقلی به تصریح شرع جایی ندارند، مانند: اثبات وجود خالق هستی، اصل نیاز به پیامبر الاهی، و ضرورت معاد، بلکه در تفسیر و تبیین بسیاری از آموزه‌های دینی به کمک شرع می‌آید. از این روست که در زبان شرع از عقل به رسول باطنی تعبیر شده است. فارابی بر این عقیده است که فلسفه بخوبی می‌تواند از آنچه شرع بر عهده عقل گذاشته؛ یعنی تبیین و تفسیر درست و یقینی از هرم هستی، نحوه پیدایش موجودات و ارتباط آنها با هم برآید.

۲. فلسفه سیاسی: فارابی نخستین کسی است که در کنار تبیین عقلانی نظام هستی، در صدد تفسیر خردمندانه نظام اجتماعی به انگیزه دستیابی به سعادت و نیکبختی است. او با ارائه نظریه مدینه فاضله به دنبال هدایت جامعه بشری به سوی آرمان شهری است که با رهبری حکماگام در مسیر کمال دنیایی و جاودان دارد. حجم قابل اعتنایی از آثار فارابی چون: السياسة المدنیة، آراء أهل المدینة الفاضلة، التنبیه علی السعادة و ... به همین نظریه اختصاص دارد. از این رو فارابی در کنار فیلسوف مؤسس، بیشتر به عنوان یک نظریه پرداز حوزه فلسفه سیاسی مطرح است. حتّا برخی زیربنای منظومه فکری فارابی را نظریه مدینه فاضله او می‌انگارند.